

گلگشتی در تفسیر روض الجنان

بعضی از عقاید شیعه از نگاه ابوالفتوح

محمدرضا پاک

اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ری در قرن پنجم و ششم ق
جنگ فرق کلامی

ری در قرن پنجم و ششم ق عطفی در تاریخ تشیع و نمونه ای
مثال زدنی از تعصب مذهبی بود که مذاهب گوناگون فکری در
تاریخ بشر از خود نشان داده اند.

مذاهب مختلف اسلامی جنگ قلمی تمام عیار به راه انداختند.
جنگ زبانی و قلمی پدیده مسلط فرهنگی ری در قرن پنجم و
ششم هجری است.

فضایی آکنده از کینه توزی و خشم بین پیروان مذاهب در
صحنه سیاسی ری حاکم بود و قدرت طلبان سلجوقی
(تأمین کننده منافع تسنن و حامیان خلافت عباسی) نهایت
استفاده را از این وضع می بردند.

گروه های مختلفی در ری زندگی می کردند، این گروه ها در
همه دوره ها علیه یکدیگر نزد والیان سعایت می کردند و به نوعی
به سلاطین و امرا تقرب می جستند. ابوالفتوح نیز گاهی مورد
حسد و سعایت این گونه افراد نزد والی ری قرار می گرفت.

قدرت سیاسی امامیه با اشغال ایران به دست سلجوقیان در
ابتدا به حداقل خود رسیده بود، وزرایی که متهم به تشیع بودند به
قتل رسیدند، از جمله مجدالملک قمی وزیر ملکشاه سلجوقی
در ۴۲۹ق به قتل رسید، اما اوضاع شیعه در اواسط قرن ششم در
حکومت سلجوقیان فرق کرد، تقض می نویسد: اکنون (نیمه
سده ششم) همه خدایان ترکند و حاجب و دربان و مطیعی و
حراس رافضی اند.



بود. تسنن آیات قرآن را برای اثبات امامت شیخین تأویل می کرد و تشیع نیز آیات قرآن را جهت اثبات ولایت و امامت ائمه شیعه تأویل می نمود. این گونه استفاده از قرآن این سؤال اساسی را در محافل فکری آن عصر مطرح می ساخت که چه کسی حق تأویل دارد: فقیه، فیلسوف و ...

ابوالفتوح در پاسخ تأویل را خاص ائمه شیعه که علمشان علم شهودی و لدنی است دانسته است. این گونه ارتباط نزدیک بین تأویل و شهود و رسوخ در علم از قرن دوم هجری همواره مورد تأکید رهبران و متفکران شیعه امامی بوده است. وجه اهمیت تأویل گرایی ابوالفتوح، استناد تفسیر او به برخی تفاسیر قرون چهارم و پنجم ق اهل سنت^{۱۱} (مانند تفاسیر طبری، بلخی، حیاتی، ابوبکر اصم، رمانی، ثعلبی شافعی و زمخشری و ...) است. ابوالفتوح در تعریف تأویل می گوید: تأویل، کشف معنای آیات متشابهات و دیگر وجوه و احتمالات را گویند.

وی در آیه «ولا يعلم تأویله الا الله والراسخون فی العلم» راسخان علم را اهل بیت می داند، کسانی که علمشان را با میانجی رسول (ص) و جبرئیل و لوح محفوظ از خدا گرفته اند. چنان که می بینیم تأویل گرایی ابوالفتوح در مورد ائمه شیعه را می توان نوعی تأویل گرایی ای تلقی کرد که مفسر بین تأویل و تفسیر^{۱۲} فرقی نگذاشته است. در حقیقت کار ابوالفتوح و معاصران او به نوعی کاربرد تأویل به جهت تدبیر امر شیعه در

ابوالفتوح چهره ای شناخته شده در عصر خود و در محافل سیاسی و علمی به ویژه در میان مردم از مقبولیت و شهرت تام و مجالس و عظ او از شلوغ ترین مجالس در ری بوده است. یادکرد شاگردانش و محققان از وی به فقیه محدث، واعظ و دانشمند و مفسر و استاد نثر فارسی دری نشان عظمت و بزرگی وی می باشد.

ابوالفتوح از اولاد نافع بن بدیل بن ورقاء^۱ خزاعی (صحابی معروف رسول خدا)، مفسر و متکلم شیعی قرن ششم است که در ۴۸۰ق تولد یافت و در ۵۸۲ از دنیا رفت و قبر او کنار ضریح^۲ حضرت عبدالعظیم از قرن ها پیش مد توجه مردم بوده است. مهمترین اثر ابوالفتوح، تفسیر فارسی روض الجنان و روح الجنان است که آینه آرا و افکار زمان اوست. حُسنیه^۳ و رساله تبصرة^۴ العوام فی الملل والنحل^۵ از دیگر آثار منسوب به اوست.

تولید انبوه نوشته های کلامی و ردیه های فرق علیه یکدیگر که در غالب تفسیر و کتب رجالی و حدیثی و ... عرضه می شد جریان فرهنگی مسلط در ری قرن پنجم و ششم ق بود. این میان ابوالفتوح در نبرد سرنوشت ساز تسنن و تشیع در ری شرکت جست و بانگارش روض الجنان و روح الجنان^۶ نقشی اساسی در جاودانگی اندیشه های شیعه امامی در ری ایفا کرد. رازی قزوینی که از پیشگامان مبارزه تشیع و تسنن در ری است از تفسیر ابوالفتوح با افتخار یاد کرده است.^۷

مهمترین موضوع مطرح در آثار این عصر، مسأله امامت و ولایت و جانشینی و نزاع معتزله و اشاعره است. از جمله مهمترین آثار این عصر، کتاب نقض است^۸ که حاکی از مقاومت و پایداری شیعه در برابر حاکمان ری می باشد. شیعیان با تلاش های گسترده فرهنگی از جمله برپایی ده ها مدرسه و مرکز علمی و کتابخانه و مساجد آباد و زیارتگاه ها و مجالس مناظره با علمای اهل سنت و اشاعره، زمینه های استقرار نهایی شیعه امامی در ری را فراهم ساختند.

جایگاه تأویل گرایی ابوالفتوح

تأویل آیات قرآن به علی (ع) و ائمه شیعه جایگاه تاریخی عمیقی در تمدن اسلامی دارد. نخستین کارها در مکتب حدیثی کوفه^۹ و قم و اصفهان پدید آمد. از معتبرترین اینها کار حافظ ابی نعیم اصفهانی (م ۴۲۰هـ) در مکتب اصفهان است. او در النور المشتعل من کتاب ما نزل من القرآن فی علی علیه السلام آیات مؤول به امام علی (ع) را ذکر کرده است.^{۱۰} ابزار مبارزه تشیع و تسنن در طی قرون به ویژه در عصر ابوالفتوح «تأویل»

۱. اعیان الشیعه به اختلاف تراجم در نام ابوالفتوح اشاره کرده است. ر. ک: اعیان الشیعه، ج ۶، ص ۱۲۴ (دارالتعارف، بیروت، ۱۴۰۳)؛ ابوالفتوح، روض الجنان و روح الجنان، ج ۵، ص ۶۲۲ (کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴).
۲. روض الجنان و روح الجنان، ج ۵، ص ۶۲۹ و ۶۲۴.
۳. همان، ص ۶۲۸.
۴. در استناد این نوشته به ابوالفتوح تردید وجود دارد. ر. ک: همان، ص ۶۲۹.
۵. الدریمه.
۶. روض الجنان و روح الجنان، ج ۵، ص ۶۲۳ و ۶۲۷.
۷. عبدالجلیل قزوینی رازی، نقض، ص ۲۸۴ (تصحیح محدث ارموی، سلسله انتشارات انجمن آثار ملی، تهران، ۱۳۵۸).
۸. مهمترین اثر صاحب نقض کتاب السئالات والجوابات در هفت جلد و کتاب البراهین فی امامة الامیرالمؤمنین (ع) است. موضوع کتاب های این عالم مسائل جدلی بر محور امامت و نزاع تشیع و تسنن بوده است.
۹. ر. ک: حافظ ابونعیم اصفهانی، النور المشتعل، ص ۱۴ و ۱۵ و ۸-۱۳ و ۱۶-۱۹ (تصحیح محمدباقر محمودی، طبع اول، وزارة الارشاد الاسلامی، تهران، ۱۴۰۶).
۱۰. همان، سراسر کتاب.
۱۱. روض الجنان و روح الجنان، ج ۵، ص ۶۳۴ و ۶۳۵.
۱۲. جلال الدین سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۴۴۹ (ترجمه مهدی حائری قزوینی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۳).

مبارزه و رقابت با تسنن^{۱۳} بوده است و این معنا با آنچه سیوطی در کتاب اذقان در ذیل کلمه تأویل گفته است همخوانی دارد؛ سیوطی تأویل را از «ایاله» به معنای سیاست دانسته است^{۱۴} یعنی تأویل کننده کلام آن را تدبیر کرده معنای آن را در جای خودش قرار داده است.

تفسیر ابو الفتوح در حوزه جنگ فرقه ای حاکی از سرانجام پیروزمندانه تشیع قمی در ری است. این تشیع در آثار علمای قم در نیمه دوم قرن سوم ق^{۱۵} ظهور کرد و تا قرن پنجم ق به ری منتقل شد و با استقبال گسترده علمای شیعه مواجه گردید و در آثار صدوق و کلینی و ابو الفتوح رازی منعکس شد.

ابعاد خاص تشیع قمی در موارد متعددی به ویژه در تأویل آیات قرآن به اخبار ائمه (ع) در تفسیر ابو الفتوح نمایان است. یکی از ویژگی های کلی و اساسی تشیع قمی مبارزه و سازش ناپذیری با تسنن و نقض مبانی تسنن بود.^{۱۶} پس ابو الفتوح پرچمدار مبارزه با تسنن و دفاع از مبانی مذهب تشیع در ری قرن ششم ق بوده است.

تفسیر فارسی

حفظ زبان فارسی در کنار زبان عربی و نوشتن به آن از ویژگی های رایج در بین شیعیان قمی بود. تاریخ قم از آثار قرن چهارم ق از ۱۳۰ شاعر قمی^{۱۷} یاد کرده که به دو زبان فارسی و عربی می سروده اند. دعویدار قمی^{۱۸} (معاصر ابو الفتوح) دیوانی^{۱۹} با دو زبان فارسی و عربی سرود. صاحب بن عبّاد از بزرگان ری پیش از حاکمیت سلجوقیان، دیوانی به دو زبان فارسی و عربی سرود.

نوشتن تفسیر به زبان فارسی حاکی از نوعی نگرش خاص شیعی و به نوعی مخالفت با گرایش عمومی مفسران به زبان عربی و به ویژه مقابله با تفاسیر اهل سنت بود که بیشتر به زبان عربی تمایل داشتند. با این وصف از زبان فارسی می توان به زبان تشیع نام برد؛ این واقعیت در ری و قم پیش از هر جا خود را نشان داد.

تصویر تشیع در تفسیر ابو الفتوح

در این نوشته با بررسی موارد زیر با چهره ای که ابو الفتوح از تشیع ارائه داده، آشنا می شویم:

۱. بررسی چند مورد از دیدگاه های خاص فقه امامی که در تفسیر ابو الفتوح در چارچوب روایات اهل بیت آمده است.
۲. یکی از ویژگی های بارز تفسیر ابو الفتوح دفاع از مبانی کلامی تشیع است. در این زمینه معرفی اهل بیت مأموریت اصلی این تفسیر است.
- تعصب به ائمه شیعه امامی و تأویل آیات قرآن به روایات آنها

در سراسر این تفسیر به چشم می خورد. برخی از محققان خاورشناس معاصر به جایگاه تاریخی این شیوه اشاره کرده اند، آدام متز می نویسد: «تنها خصوصیت تازه تشیع قرن چهارم برگرداندن همه اخبار و آثار به علی و خاندان اوست که با عکس العمل تند علمای سنی^{۲۰} مواجه شد». این شیوه تشیع قمی است که نمونه ای از آن در تفسیر قمی^{۲۱} منعکس شده است.

تفسیر عیاشی^{۲۲} معاصر تفسیر قمی نیز به همین منوال نگارش یافته است. در حقیقت این نزاع طی چند قرن (۳-۶ق) در خور پیگیری است. در این قرون جنگ اصلی بر سر تأویل است. قرن ششم، قرن این گونه منازعات بود که برخی از آنها در حضور سلاطین سلجوقی و امرای آنها در ری صورت می گرفت.

کتاب بعض مثالب النواصب فی نقض بعض فضائح الروافض (نقض) از جمله منابع قرن ششم است که آینه تمام نمای منازعات این قرن می باشد. این کتاب، پاسخ به اعتراضاتی^{۲۳} است که اهل تسنن در پیرامون تشیع ایراد^{۲۴} می کردند. بخشی از اعتراضات تسنن که در کتاب نقش آمده، به تأویل آیات قرآن به دوازده امام شیعه برمی گردد. رازی قزوینی نیز تأویل آیات قرآن به ابوبکر و عمر و عثمان و صحابه را رد کرده و نادرست شمرده است.^{۲۵}

نزاع سیاسی

شیوع نزاع تسنن و تشیع به حدی بود که این گونه منازعات در

۱۳. اهبان الشیعه به این نکته توجه کرده و می نویسند کار ابو الفتوح ابطال همه تأویل های نادرست مخالفان بود. ر. ک: اهبان الشیعه، ج ۶، ص ۱۲۶.
۱۴. الاثقان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۴۴۹.
۱۵. در آثار علمای قم موارد متعددی از تک نگاری ها در مورد آیاتی که در مورد علی (ع) نازل شد وجود دارد. ر. ک: نجاشی.
۱۶. نقض، ص ۲۵۴.
۱۷. حسن بن محمد قمی، تاریخ قم، ص ۱۸ (ترجمه حسن بن علی بن حسن بن عبدالملک قمی، تهران، ۱۳۵۳).
۱۸. او این دیوان را به امر عزالدین یحیی نقیب النقباء و بزرگ شیعیان ری و قم فراهم آورد، چهار هزار بیت شعر فارسی به او منسوب است. ر. ک: دیوان دعویدار قمی، ص ۵ و ۱۱ و ۱۹ و ۲۱ و ۲۲ (تصحیح علی محدث، چاپ اول، انتشارات هجرت، تهران، ۱۳۶۴)؛ نقض، ص ۲۱۲.
۱۹. ر. ک: دیوان دعویدار قمی.
۲۰. آدام متز، تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، ج ۱، ص ۸۱ (ترجمه علیرضا ذکواتی قراقرلو، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۴).
۲۱. تفسیر قمی، سراسر کتاب (طبع اول، دارالسرور، بیروت، ۱۴۱۱ق).
۲۲. تفسیر عیاشی، سراسر کتاب (المکتبه العلمیه، تهران).
۲۳. نقض، مقدمه.
۲۴. این کتاب در پاسخ به مطالبی از اهل سنت نوشته شده است.
۲۵. نقض، ص ۲۸۰.

ابن عباس اولین طعن به شیعه است. ابن عباس در بین مفسرین از قائلین به محکم بودن آیه متعه^{۳۷} بود. ابو الفتوح در تفسیر خود پاسخ ابن عباس به طعن عبدالله بن زبیر را آورده است.

ابو الفتوح به اختلاف شیعه و سنی در محکم یا منسوخ بودن آیه نکاح اشاره کرده و سپس درباره محکم بودن آیه متعه به دیدگاه ائمه شیعه استناد می کند. در وقت نسخ و تحریم آن بعضی گفتند عام خبیر بود و بعضی دگر^{۳۸} گفتند عام الفتح بود و در این معنا به اخباری مختلف و مضطرب استناد جستند و بعضی دیگر از علما گفتند که آیت محکم است و منسوخ نیست و این مذهب اهل بیت است و عبدالله عباس و عبدالله مسعود و سعید بن جبیر و ابی کعب. به گفته ابو الفتوح یکی از دلایل نسخ نشدن آیه متعه نکاح اجماع ائمه معصومین^{۳۹} است. او روایاتی از ائمه معصومین در ذیل آیه متعه نکاح آورده که حاکی از اجتهاد عمر در مقابل نص محکم قرآن است.^{۴۰}

برخی از متون ادبی به ویژه آثار عبید زاکانی منعکس گردیده است. وی نمونه ای از موضوعات مورد اعتراض تسنن بر تشیع (حلیت و طی دبر مرأة) را به جهت وهن بر تشیع در مجموعه طنز خود آورده است؛ عبید^{۲۶} این حکم فقهی را وجه مشخصه شیعه دانسته است. قول عبید مطابق با فضااحت^{۲۷} پنجاه و سوم است که رازی در کتاب فقه به آن پاسخ گفته است.^{۲۸} وی گفته موضع علما را در این نسبت به شیعه از موضع واقعی اهل بیت (ع) باید جدا نمود، اما ابو الفتوح ضمن ذکر مواضع علمای شیعه در این خصوص مواضع علما در اباحه و تحریم را مطابق با اخبار ائمه دانسته است.^{۲۹} ابو الفتوح این حکم را در ذیل آیه ۲۲۳ سوره بقره نقد و بررسی کرده و فتوا و دیدگاه علمای شیعه را ذکر نموده است.^{۳۰} تفسیر قمی نیز متعرض این مسأله شده و به نسبت ناروای عامه در تأویل نادرست این آیه به تشیع اشاره کرده است.^{۳۱} اما دیگر موضوعات فقهی ای که ابو الفتوح در حول و حوش آنها به دفاع از مذهب اهل بیت پرداخته عبارت است از:

۱. آیه وضو

آیه وضو از موارد مورد نزاع در طی قرون گذشته تا عصر ابو الفتوح بوده است. ریشه اختلاف فقهی شیعه و سنی به اعراب لفظ «وارجلکم» به نصب یا جر برمی گردد.^{۳۲} اهل سنت بنا بر اعراب نصب، شستن دو پا در وضو را متعین دانسته اند و علمای تشیع بنا بر اعراب جر «ارجلکم» حکم به مسح دو پا در وضو داده اند، از جمله عیاشی در روایتی در ذیل آیه وضو، حکم به جر «ارجلکم» را نقل کرده است^{۳۳} و شیخ صدوق در من لا یحضره الفقیه بر اساس روایات حفص جر را پذیرفته و حکم به مسح دو پا داده است.

ابو الفتوح دیدگاه خاص فقه امامی را در ذیل آیه وضو ذکر کرده و معتقد است قرائت به نصب و به جر هر دو مفید مسح می باشد.^{۳۴}

۲. آیه متعه

متععه نکاح از موارد اختلافی ای بود که در عصر ابو الفتوح در سطح گسترده ای مطرح شد.^{۳۵} ابو الفتوح به گونه ای مفصل وارد بحث شده و از دیدگاه اهل بیت دفاع کرده است.

متععه از موارد اختلاف شیعه و سنی در عصر راشدین بود. بعد از عصر امام علی (ع) صحابه و تابعین در متعه اختلاف کردند، ابو الفتوح می نویسد: از اعلام مذهب امامیان یکی متعه است و مخالفان ایشان را به این طعن زنند.^{۳۶} طعن به شیعه در مسأله متعه سابقه تاریخی دارد. طعن به

۲۶. کلیات عبید زاکانی، ص ۹۵ (انتشارات اقبال، تهران).

۲۷. معترضین اهل هر کدام از اعتراضات خود بر تشیع را با عنوان فضیحت شیعه ذکر کرده اند.

۲۸. نقض، ص ۶۱۳ و ۶۱۴.

۲۹. روض الجنان و روح الجنان، ج ۱، ص ۲۷۷.

۳۰. همان، ص ۳۷۶ و ۳۷۷.

۳۱. تأولت العامة فی قوله انی شتمت ای حیث شتمت فی القبل والدبر... ر. ک: تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۰۰ و ۱۰۱.

۳۲. در میان نحاة نافع، ابن عامر و کسائی و حفص و عاصم و یعقوب و به فتح و باقی قرابه جر خوانده اند. ر. ک: روض الجنان و روح الجنان، ج ۲، ص ۱۰۹.

۳۳. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۰.

۳۴. روض الجنان و روح الجنان، ج ۲، ص ۱۰۹.

۳۵. نقض، ص ۵۵۴. قزوینی رازی در فضیحت شماره ۲۲ آورده که اهل سنت اعتقاد شیعه به متعه را یکی از فضایح شیعه دانسته اند: رافضی نکاح السر روا دارد و آن را متعه خواند و اگر صد طلاق بخورد گوید بر نیفتد که رضای مرد و زن شرط است بی کراهتی و... ر. ک: نقض، ص ۵۵۳.

آن گاه قزوینی رازی در پاسخ این فضیحت به آیه ۲۴ سوره نساء استناد کرده است که منظور از نکاح در این آیه به اجماع شیعت، نکاح متعه است و سپس به سیر تاریخی حکم متعه و حلیت آن در زمان رسول خدا (ص) و زمان ابوبکر و سپس تحریم عمر اشاره کرده است....

۳۶. روض الجنان و روح الجنان، ج ۵، ص ۳۱۸.

۳۷. همان، ص ۳۱۶ و ۳۲۰.

۳۸. همان، ص ۳۱۵.

۳۹. همان، ص ۳۱۸.

۴۰. لولا ما سبق من رای عمر بن خطاب لامرت بالمتععه ثم ما زنی الا شقی.

ر. ک: روض الجنان و روح الجنان، ج ۵، ص ۳۱۶.

۳. طلاق ثلاثاً دفعه در مجلس واحد یا دفعات

جمهور فقهای اهل سنت اعتقاد دارند که طلاق به لفظ ثلاث (سه بار در یک جلسه طلاق گفتن) حکم طلاق^{۴۱} در سه جلسه را دارد. ابوالفتوح می نویسد: چون خدای تعالی به سه طلاق امر کرده گفتن سه بار در یک مجلس مشروع نیست. ^{۴۲} در مذهب اهل بیت به ^{۴۳} آیه سوره بقره در بطلان طلاق ثلاثاً در مجلس واحد استدلال شده است. ^{۴۴}

البته مطابق مذهب اهل بیت (ع) از سایر مسائل طلاق^{۴۵} و مسأله بلوغ^{۴۶} و آرث^{۴۷} و بسیاری مسائل فقهی سخن گفته است.

ابعاد امامت شیعی در تفسیر ابوالفتوح

امامت از جمله اساسی ترین مباحث مطرح در تفسیر ابوالفتوح است. او در این خصوص تأویل و اژه های اولی الامر، اهل بیت را مطابق مذهب اهل بیت آورده است. تلاش او در تفسیر قرآن صرف ارائه تصویری از تشیع بر اساس آیات قرآن است.

ابوالفتوح صفات اهل بیت را در تفسیر آورده است. اهل بیت مصداق صراط^{۴۸} الذین انعمت علیهم، صالحین، ^{۴۹} وسیله توبه، ^{۵۰} مقیمین الصلاة، ^{۵۱} اولی الامر، ^{۵۲} معصوم و ^{۵۳} مودت ^{۵۴} و محبت ^{۵۵} آنها موجب شفاعت ^{۵۶} و تقرب به خدا ^{۵۷} و وسیله نجات ^{۵۸} است.

روایات درباره مقام معصومین در تفسیر ابوالفتوح به حدی است که از هر یک از آن ذوات مقدسه چهره مشخصی ترسیم شده است. در این نوشته مطالب روایی ای را که ابوالفتوح درباره فاطمه زهرا (ع) و مهدی (عج) و علی (ع) آورده بررسی می کنیم:

فاطمه (ع)

در ذیل آیه «اذ قالت الملائكة يا مريم ان الله اصطفیک و طهرک علی نساء العالمین» حضرت فاطمه را برگزیده زنان جهان دانسته است. این دیدگاه شیعه مورد توجه محققین مسیحی واقع شده، متر می نویسد: «شیعیان برای فاطمه (ع) همان خصوصیتی را قائل شدند که مسیحیان برای مریم، از جمله فاطمه (ع) را مانند مریم بتول لقب داده و از پیغمبر (ص) روایت کرده اند بتول زنی است که هرگز خون نبیند و حائض نشود چه حیض از دختر پیغمبر ناپسند است». ^{۵۹}

ابوالفتوح در ذیل آیه مزبور می نویسد: و اما برگزیده زنان جهان به اتفاق، فاطمه زهرا (ع) است برای آن که پاره اندام رسول (ص) است و آن که بعضی از رسول باشد برابر نبود با آن که بهری از عمران بود؛ رسول (ص) گفته است «فاطمه بضعة منی، من آذاها فقد آذانی». ^{۶۰}

پیامبر (ص) فرمود: دختر من فاطمه سیده زنان عالم است از اولیان و آخرینان و او پاره من است و نور چشم من است و میوه دل من و جان من است و او را پاک کرد از حیض و استحاضه و نفاس.

علی (ع)

محور اصلی نزاع تشیع و تسنن از قرن سوم تا قرن ششم مقام علی (ع) و برتری آن بر مقام شیخین بود. مشخصه اصلی تشیع، رفض ^{۶۱} خلافت ابوبکر و عمر و اعتقاد به غصبی بودن ^{۶۲} خلافت ایشان است، از این رو در متون تسنن از شیعیان به رافضی یاد کرده اند. ^{۶۳}

پدیده رفض تفکری است که جوانه های آن در قرن اول ق زده شد و در طی قرن دوم و سوم ^{۶۴} توجه محافل تسنن را جلب کرد و در قرن چهارم تا ششم ق ^{۶۵} مهمترین مسأله نزاع شیعه و سنی بود.

۴۱. بدایة المجتهد، ج ۲، ص ۶۲.

۴۲. روض الجنان و روح الجنان، ج ۱، ص ۳۹۱.

۴۳. آیه «یا ایها النبی اذا طلقتم النساء فطلقوهن».

۴۴. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۹، ج ۲۵.

۴۵. روض الجنان و روح الجنان، ج ۵، ص ۳۴۱ و ج ۱، ص ۳۹۱.

۴۶. همان، ص ۲۵۲ و ۲۵۳.

۴۷. همان، ص ۲۶۹.

۴۸. همان، ج ۱، ص ۲۵.

۴۹. همان، ج ۴، ص ۱۴.

۵۰. همان، ج ۱، ص ۹۵.

۵۱. همان، ج ۶، ص ۱۹۰.

۵۲. همان، ج ۴، ص ۵۵.

۵۳. همان، ج ۱، ص ۱۹۵.

۵۴. همان، ج ۴، ص ۵۶۹.

۵۵. همان، ص ۵۷۱ و ۵۷۲.

۵۶. همان، ج ۵، ص ۵۳ و ۳۹ و ج ۲، ص ۳۱۸.

۵۷. همان، ج ۲، ص ۳۷۱.

۵۸. همان، ج ۶، ص ۳۶۱-۳۶۲.

۵۹. همان، ج ۱، ص ۵۶۱.

۶۰. تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، ج ۱، ص ۸۱.

۶۱. ابوالحسن علی بن اسماعیل الأشعری، مقالات الاسلامیین، ص ۳۳

و ۱۹-۱۸ و ۳۵ و ۴۵ (امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۲).

۶۲. رافضه و نشانان آن باشد که ابوبکر و عمر را دشمن دارند و... «نقض»

ص ۱۲ و ۱۳.

۶۳. جلال الدین محدث، تعلیقات نقض، ج ۲، ص ۱۲۲۷ (انجمن آثار ملی،

تهران، ۱۳۵۸).

۶۴. شافعی فقیه قرن دوم سروده است:

ان کان حبی خمسة زکت به فرایضی

و بعض من عاداهم رفضاً فان رافضی

۶۵. نقض، ص ۳۰۰-۳۰۲ و ۳۲۳-۳۲۴.

صدیق اکبر و فاروق اعظم

مصدق فاروق اعظم و صدیق اکبر چه کسی است از موارد نزاع انگیز عصر ابوالفتوح بود. وی در تفسیر،^{۶۶} روایتی از پیامبر آورده که از تقدم^{۶۷} علی (ع) در ایمان و نماز و جهاد بر سایر امت حکایت دارد. در این روایت از علی (ع) با عنوان صدیق اکبر^{۶۸} و فاروق اعظم و یکی از ثقلین و صاحب کرتین، جان پیامبر در آیه^{۶۹} مباحثه یاد شده است. علی مثل ذی القرنین است کسی که خورشید را برای او باز آوردند^{۷۰} پس از آن که فرو شده بود و عبور از صراط^{۷۱} با نور علی (ع) ممکن است.^{۷۲} رسول را پرسیدند که امت تو در ظلمات قیامت چگونه از صراط می گذرند، گفت: امت بر صراط به نور علی گذرند و علی بر صراط به نور من گذرد و من به نور خدا می گذرم و نور امت از علی (ع) و نور علی از نور من و نور^{۷۳} من از نور خدای تعالی و هر که به ما تولی نکند او را نور نباشد که «من لم يجعل الله له نور فماله من نور...».

عصر ابوالفتوح^{۷۴} شاهد نزاع بر سر تأویل آیات قرآن به علی (ع) در خصوص مفاهیم^{۷۵} هاد، شاهد،^{۷۶} ن والقلم،^{۷۷} خیر الناس،^{۷۸} زیتون،^{۷۹} اولو العلم^{۸۰} و میزان حق^{۸۱} بود.

در چارچوب همین تأویل، شیعه علی (ع) تنها فرقه ناجیه است و او کسی است که^{۸۲} با تأویل قرآن می جنگید و صاحب منقبت رد شمس^{۸۳} است و آیه والنجم^{۸۴} اذ هوی و آیه^{۸۵} ۵۵ سوره مائده^{۸۵} و مائده^{۸۶} و آیه^{۸۷} ۴۳ سوره رعد درباره او نازل شده است.^{۸۷}

تأویل شیعه از آیات سوره والشمس و بلد و لیل مقبول منابع تسنن نیست و رازی قزوینی با ذکر اعتراض آنان به پاسخگویی پرداخته است.^{۸۸} در تفسیر قمی^{۸۹} تین به پیامبر و زیتون به علی (ع)^{۹۰} و طور سینین به حسن و حسین و البلد الامین به سایر ائمه تأویل شده است، اما ابوالفتوح معترض چنین مسأله ای نشده است. البته از این موارد نمی توان معتدل بودن تشیع ابوالفتوح را نتیجه گرفت، چون موارد بسیاری را می توان یافت که در تفسیر قمی و تفسیر عیاشی آمده اما در تفسیر ابوالفتوح ذکر نشده است.

به هر حال ابوالفتوح با ذکر موارد اساسی تأویل شیعی، چهره تشیع قرن ششم را ترسیم کرده و در عین حال از چارچوب تأویل گرایی محض شیعی قرن سوم و چهارم هجری خارج نشده و بر آن شیوه وفادار باقی مانده و درستی آن را به اثبات رسانده است.

تأویل آیات قرآن به علی (ع) و خاندان او از مکتب حدیثی کوفه به مکتب حدیثی قم در تفسیر علی بن ابراهیم کوفی قمی

منتقل شد و سپس در ری در کارهای صدوق و کلینی منعکس

۶۶. *روض الجنان و روح الجنان*، ج ۴، ص ۵۷۰.

۶۷. همان، ج ۵، ص ۲۲۵ و ۲۲۶.

۶۸. *النور المشتعل*، ص ۱۲۱ و ۱۲۴؛ *روض الجنان و روح الجنان*، ج ۲، ص ۶.

۶۹. آل عمران (۳) آیه ۵۹.

۷۰. *روض الجنان و روح الجنان*، ج ۵، ص ۲۲۶.

۷۱. *تعلیقات نقض*، ج ۲، ص ۱۲۵۰. ابوالفتوح در تفسیر آیه شریفه ۳۵ سوره مبارکه مائده (یا ایها الذین امنوا اتقوا الله و ابتغوا الیه الوسیله ...) بعد از ذکر مطالب عالیه و نقل حدیثی از ابوهارون عبیدی و ابوسعید خدری و او از رسول آورده:

اباحسن لوان جبک مدخلی

جهنم کان الفوز عند جحیمها

و کیف یخاف النار من کان موقناً

بان امیر المؤمنین قیمها

(*روض الجنان و روح الجنان*، ج ۲، ص ۱۲۵۰ و ص ۱۲۴۷).

۷۲. *روض الجنان و روح الجنان*، ج ۴، ص ۵۰.

۷۳. مفهوم این حدیث از موارد اعتراض تسنن به تشیع است که قزوینی رازی نیز اعتراض تسنن را آورده است (و انا من احمد کالضوء من الضوء و الذراع من العضد) ر. ک: *نقض*، ص ۵۴۹؛ *تعلیقات نقض*، ج ۲، ص ۱۲۶۲.

۷۴. *نقض*، ص ۲۲۷-۲۷۹.

۷۵. *روض الجنان و روح الجنان*، ج ۲، ص ۶.

۷۶. ثعلبی کلمه شاهد و در یازدهمین آیه سوره هود را (فمن کان علی بینه من ربه و یتلوه شاهد منه) به علی (ع) تأویل کرده است. ر. ک: *النور المشتعل*، ص ۱۰۷؛ ثعلبی، ج ۲، الورق ۲۳۹.

۷۷. *نقض*، ص ۲۷۹.

۷۸. نزاع در مورد این که خیر الناس بعد از نبی ابوبکر یا عمر یا علی (ع) است از جمله اعتراضات تسنن بر تشیع است که رازی قزوینی پاسخ داده است. ر. ک: *نقض*، ص ۱۴۶.

۷۹. *نقض*، ص ۲۶۴ و ۲۶۵.

۸۰. *روض الجنان و روح الجنان*، ج ۱، ص ۵۲۹.

۸۱. *نقض*، ص ۲۸۰.

۸۲. همان، ص ۵۱۳.

۸۳. همان، ص ۵۲۱.

۸۴. ابوالفتوح آورده است که والنجم اذ هوی ... مراد آن ستاره است. ابوالفتوح در تأویل این آیه روایتی از امام صادق (ع) آورده که منظور از اتمام نعمت ولایت اهل بیت و دین اسلام است ... رسول علیه السلام گفت: الحمد لله الذی جعله کمال الدین و تمام النعمه و رضاه بر سالتی و بولایة علی من بعدی ... که حق تعالی آن را علامت امامت امیر المؤمنین (ع) قرار داد و سبب آن بود که سلمان و جماعتی صحابه از رسول خدا پرسیدند که یا رسول الله مقام تو را سپس از تو کرا خواهد بود. گفت: آن را که امشب ستاره از قطب آسمان جدا شود و به خانه او فرو شود. آن شب اهل مدینه همه بر بام ها رفتند تا امیر آن را که باشد ستاره به خانه او فرو شود. مگر علی و فاطمه ورد خود را نکردند و گفتند اگر خانه ما آید ما را شکر زیادت باید کردن ... هر یک در محراب

گردید و آثار آن در قرن ششم در کارهای ابوالفتوح نمایان شد^{۹۱} و سرانجام بار دیگر شکل اولیه خود را در مکتب حدیثی حلّه در آثار علامه حلی در قرن هفتم، عصر پیروزی مطلق تشیع در ایران به دست آورد. علامه حلی در انوار التنزیل^{۹۲} آیات مربوط به حضرت علی (ع) را در یک جا گرد آورده است.

مهدی

تأویل آیات قرآن به امام مهدی (عج) همواره با اعتراض اهل تسنن رویارو بوده است. ابوالفتوح روایات متعدد درباره قائم آل محمد (ص) آورده است. دیدگاه وی در این خصوص، مورد قدح و انتقاد محافل سنی^{۹۳} عصر خود بوده است. از نظر شیعه در تفسیر ابوالفتوح مهدی غیب جهان و خلیفه خدا بر روی زمین است و خروج او در قرآن وعده داده شده است.^{۹۴} در ذیل آیه... سوره بقره^{۹۵} می نویسد: در تفسیر اهل بیت (ع) مراد به غیب مهدی امت است که غایب از دیدار خلقان و موعود است در اخبار و قرآن. اما در اخبار بی شمار است، از جمله قوله علیه السلام: «لو لم یبق من الدنیا الا یوم واحد لطول الله ذلک الیوم حتی یرجرج رجل من اهل بیتی یواطی اسمہ اسمی و کنیة کنیتی یملا الارض عدلاً و قسطاً کما ملئت جوراً و ظلماً؛ گفت اگر از دنیا نماند الا یک روز خدای عزوجل آن روز را دراز گرداند تا مردی از فرزندان من بیاید نامش نام من و کنیتش کنیه من و زمین را پر از عدل کند، پس از آن که پر از جور باشد» و این صفات مجموع نیست الا در این شخص که این قوم گفتند در غیب است و به آخر زمان خروج کند... راوی خبر گوید یک روز رسول خدا صحابه را گفت: می دانید از مؤمنان فاضل تر کیست. گفتند: یا رسول الله کیست. ایشان گفت: جماعتی که پس از من باشند تا به آخر زمان مرانندیده و سخن من ناشنیده و معجزان من نادیده ورقی معلق بینند و سوادى بر بیاض، بر آن کار کنند؛ ایشان فاضل ترین اهل ایمانند، آن که برخواند الذین یؤمنون بالغیب. ابوالفتوح روایات مربوط به علائم خروج مهدی (عج) را نیز متذکر شده است.

حدیث دابة الارض از جمله این روایات است که ابوالفتوح در ذیل آیه ۸۲ «سوره نمل» آورده است. به او گفته در دیدگاه شیعه، دابه کفایت است^{۹۶} از صاحب الزمان که مهدی امت است (واذا وقع القول علیهم اخرجنا لهم دابة من الارض تکلمهم ان الناس كانوا بآياتنا یوقنون).

حذیفه الیمانی گفت: از رسول پرسیدم که این دابه از کجا بیرون آید. گفت: از مسجدی که از آن عظیم حرمت تر نباشد بر خدای تعالی یعنی مسجد الحرام، عیسی (ع) طواف می کند به خانه خدا و مسلمانان با او طواف می کنند، زمین در زیر قدم ایشان

بجند چنان که قندیل های کعبه بجند و کوه صفا شکافته شود از جانب مشعر و او از کوه صفا به در آید هیچ طالب او را در نیابد و هیچ هارب از او فائت نشود و مردم را به نام ایمان و کفر خوانند، ... به روی این بنویسد که این مؤمن است و بر روی آن بنویسد که آن کافر است. عبدالله عمر گفت: از شکافی بیرون آید که در کوه صفاست... چون به در آمد حلول او چندان بود که سر او در ابر سایید به منافقان بگذرد که ایشان نماز کنند ایشان را گوید شما را به نماز چه حاجت است، آن گاه مهار در بینی ایشان کند.

وهب گفت: تن او چون تن مرغان بود. حسن بصری گفت: موسی (ع) از خدای خواست تا دابه را به او نماید سه شبانه روز از کوه بیرون می آمد. رازی قزوینی در رد یکی از اعتراضات به شیعه گفته تأویل ابوالفتوح از دابه الارض، این است که خدا می خواهد علی را در دنیا باز زنده کند که در تفسیر ابوالفتوح چنین مطلبی نیامده است.^{۹۷}

از جمله نشانه های ظهور مهدی خسف است که ابوالفتوح ذیل تفسیر سوره شوری در معنای «جمعسق» به آن اشاره کرده است، جمعسق مردی باشد عبدالله نام که بر بهری جوی های مشرق فرود آید و آن جا دو مدینه بنا کنند کنار آن جوی.^{۹۸}

> بودند به ورد خود مشغول که ستاره زهره در افتاد «روض الجنان و روح الجنان» ج ۵، ص ۱۷۱.

۸۵. ثعلبی در تفسیر آیه «انما ولیکم الله و رسول و الذین امنوا الذین یقیمون الصلاة و یؤتون الزکاة و هم را کعون» گفته علی بن ابی طالب است که در حال رکوع صدقه داد. ک: النور المشتمل، ص ۶۱ و ۸۵ و ۸۴، روض الجنان و روح الجنان، ج ۲، ص ۱۷۶.

۸۶. النور المشتمل، ص ۸۶؛ تفسیر ثعلبی، ج ۱، الورق ۷۷؛ روض الجنان و روح الجنان، ج ۲، ص ۹۷ و ۹۸.

۸۷. النور المشتمل، ص ۱۲۷، ثعلبی، ج ۲؛ روض الجنان و روح الجنان، ج ۳، ص ۲۰۳.

۸۸. نقض.

۸۹. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۶۳.

۹۰. همان، ص ۴۵۳-۴۵۵؛ ابوالفتوح، ج ۵، ص ۵۳۷.

۹۱. روض الجنان و روح الجنان، ج ۵، ص ۵۵۲.

۹۲. انوار التنزیل، سراسر کتاب.

۹۳. نقض، ص ۲۶۹.

۹۴. بنابر روایتی امام باقر (ع) گفت: عذاب اکبر خروج مهدی آل محمد است. ک: روض الجنان و روح الجنان، ج ۵، ص ۲۹۰.

۹۵. روض الجنان و روح الجنان، ج ۱، ص ۴۱.

۹۶. همان.

۹۷. بلفتح در تفسیر که کرده است بیآورده است تأویل این آیت که «اذا وقع القول علیهم اخرجنا لهم دابة الارض...» و گفته است از دابه الارض باری تعالی علی را می خواهد که در دنیا باز زنده کند تا همه اعدای او را ببیند... «نقض»، ص ۲۸۰.

۹۸. روض الجنان و روح الجنان، ج ۴، ص ۱۷۶-۱۷۸.

محمد(ص) در حقیقت مزد آل نبوت است و این نه چنین است برای آن که مزد ادای شریعت و قیام با عبادی رسالت جز ثواب مؤید نباشد... و اجلال و مودت اهل بیت خود تکلیفی است از خدای تعالی بر ما که مستحق ثواب باشیم و تکلیف ما چگونه ثواب رسول باشد بر سخت تر تکلیفی و او را در آن چه نفع و خیر باشد، پس چون این باطل است به ادله عقل و سمع معلوم شد که الا در آیت استثنای منقطع است و چون چنین بود جمع توان کردن میان آیات و جمله آیات محکم باشد، نه آن ناسخ باشد و نه این منسوخ^{۱۰۹} و حکم همه بر جای باشد.

ثعلبی (امام اصحاب حدیث در ابطال این قول) گفت: دوستی اهل بیت و تقرب به خدای از جمله اصول دین و ارکان مسلمانی و سر طاعت و سبب تحویل به رضای خدا، چگونه توان گفت که منسوخ است و دلیل دیگر بر بطلان این قول آن است که ابو محمد عبدالله اصفهانی روایت کرد «من مات علی حب آل محمد مات شهیداً الا و من مات علی حب آل محمد مات مغفوراً الا و من مات علی حب آل محمد مات تائباً الا و من مات علی حب آل محمد مؤمناً مستکمل الايمان...»^{۱۱۰}

یوم الطهور

به گفته ابو الفتح از جمله آیاتی که اخبار متعدد و متواتری درباره تأویل اهل بیت پیامبر دارد آیه سوره احزاب است. مراد از اهل بیت در این^{۱۱۱} آیه (انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً...) اهل بیت پیامبر است. از ابوسعید خدری از پیامبر (ص) نقل است که این در حق پنج کس آمد: من و علی و فاطمه و حسن و حسین (ع).

۹۹. نور (۲۴) آیه ۵۵.

۱۰۰. روض الجنان و روح الجنان، ج ۴، ص ۵۳-۵۵.

۱۰۱. همان، ص ۵۴.

۱۰۲. همان، ص ۵۵.

۱۰۳. نفیض، ص ۲۶۹ و ۲۷۰.

۱۰۴. روض الجنان و روح الجنان، ج ۵، ص ۱۴.

۱۰۵. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۸۰.

۱۰۶. روض الجنان و روح الجنان، ج ۵، ص ۵۶۹ و ۵۷۰.

۱۰۷. تفسیر ثعلبی از منابع اصلی تفسیر ابو الفتح حدیثی آورده که مصادیق ذوی القربی را علی و فاطمه و دو فرزندش دانسته است ر. ک: النور

المشتعل، ص ۲۱۱؛ تفسیر ثعلبی، ج ۴، الورق ۳۲۸.

۱۰۸. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۸۰.

۱۰۹. روض الجنان و روح الجنان، ج ۴، ص ۵۷۱.

۱۱۰. همان، ص ۱۸۱.

۱۱۱. ثعلبی از منابع سنی تفسیر ابو الفتح در ذیل آیه ۲۳ سوره شوری این حدیث را آورده است ر. ک: النور المشتعل، ص ۱۷۹؛ تفسیر ثعلبی،

ج ۴، الورق ۳۲۸.

ابو الفتح می نویسد: «مراد از خلیفه در آیه «وعدالله الذین امنوا منکم و عملوا الصالحات»^{۹۹} در تفسیر اهل بیت (ع) صاحب الزمان (ع)^{۱۱۰} است که رسول - علیه الصلوة والسلام - خبر داد به خروج او در آخر الزمان و او را مهدی خواند و امت بر خروج او اجماع کردند» و سپس با دلایلی فساد قول کسانی را باز می گوید که بر خلافت صحابه قائل بودند.^{۱۱۱} و بعد از بیان این سخن که «تبدیل خوف به امن معلوم است که این بر عموم حاصل نیست مگر در بعضی مواضع و یعدوننی لایشرکون بی شیشاً مسلمانی به اضافت کافری اندکی است و تمکین کلی چنان که لیطهره علی الدین کله نه آن روز بود و نه امروز است» نتیجه می گیرد آیت لایق نیست و معنای او مطرد نیست الا به خلافت و امامت مهدی (ع) که رسول بدو بشارت داد و گفت: لو لم یبق من الدنیا الا یوم واحد لطول الله ذلک الیوم حتی یرجرج رجل من ولدی یواطی اسمہ اسمی و کنیتہ کنیتی یملاً الارض قسطاً و عدلاً کما ملئت جوراً و ظلماً. این خبر را موافق و مخالف روایت کرده اند و خلاف در تعیین افتاد.^{۱۱۲}

این آیه نیز مورد اعتراض مخالفان تشیع بوده و عبدالجلیل رازی قزوینی آن را ضمن موارد اعتراض تسنن بر تشیع آورده است.^{۱۱۳}

اهل بیت

تأویل آیات قرآن به ائمه شیعه از ویژگی های اساسی تفاسیر قرن سوم تا ششم مانند تفسیر قمی و عیاشی و ابو الفتح است. از جمله مهمترین مفاهیم نزاع آمیز، مفهوم اهل بیت و تعیین مصادیق آن بود.

ابو الفتح در ذیل آیه ۶۹ سوره نساء (مَنْ یُطِعِ اللَّهَ وَ الرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصَّادِقِينَ وَ الشَّاهِدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسُنَ أُولَئِكَ رَفِیقًا) به این نزاع در تعیین مصداق اهل بیت اشاره کرده است، می نویسد:^{۱۱۴}

«در تفسیر اهل بیت، مراد از پیامبر محمد مصطفی، صدیقان علی، شهیدان حسن و حسین، صالحان ده تن از فرزندان حسین از زین العابدین تا حسن عسگری و حسن اولثک رقیقاً مهدی امت است»، اما دیگران مصداق نبیین را پیامبر و مصداق شهدا را عمر و عثمان و مصداق صالحین را باقی صحابه ذکر کرده اند. تفسیر قمی^{۱۱۵} و تفسیر ابو الفتح^{۱۱۶} در ذیل آیه سوره شوری، مصداق ذی^{۱۱۷} القربی را اهل بیت و به علی، فاطمه، حسن و حسین تأویل برده اند.^{۱۱۸} در دیدگاه تسنن این آیه منسوخ شمرده شده، اما ابو الفتح آن را رد کرده و می نویسد:

منسوخ دانستن آن قولی سخیف و ضعیف است و از جهل قائلش حکایت می کند، چون او گمان برده که دوستی آل

ام سلمه گفت: این آیه در خانه من فرود آمده است و آن بود که رسول (ص) در حجره من بود؛ فاطمه (ع) درآمد و دیگری آورد و در آن جا حریره بود؛ رسول (ص) گفت علی را برو بخوان حسن و حسین را؛ او برفت و ایشان را بخواند و ایشان با رسول (ص) از آن طعام بخوردند و رسول (ص) بر سر گلیمی خبیری نشسته بود و آن گلیم بر گرفت و بر ایشان افکند و دست برداشت و گفت:

اللهم ان لكل نبي اهل بيت و هؤلاء اهل بيتي فاذهب الرجس عنهم و طهرهم تطهيراً؛ بار خدایا هر پیغمبری را اهل بیته بوده است و اینان اهل بیت منند، رجس از ایشان ببر و پاک کن ایشان را پاک کردنی.

در حال جبرئیل آمد و این آیت آورد: «انما يريد الله ليزهد عنكم الرجس اهل البيت و يطهرکم تطهيراً». ام سلمه گفت: گفتم یا رسول الله من هم با شما میم. گفت: انک علی خیر، ولیکن اهل بیت^{۱۱۲} من اینانند.

اولی الامر

تعیین مصداق اولی الامر از جمله مفاهیم قرآنی مورد اختلاف تشیع و تسنن در قرون گذشته^{۱۱۳} و به ویژه در عصر ابوالفتوح بود. قزوینی رازی اعتراض تسنن به تشیع در تعیین مصداق اولی الامر در ائمه دوازده گانه را پاسخ گفته است. ابوالفتوح در ذیل سوره شوری، آیه ۲۳ و سوره نساء، آیه ۸۲ و ۵۹ به این تأویل روی آورده است. او ابتدا مصداق اولی الامر را که مورد اختلاف است بیان نموده است.^{۱۱۴}

او استدلال کرده حکمت خداوند در تعیین اولی الامر تنها با توجه به خصوصیتی که در ائمه جمع شده است محقق می شود و لذا علما و امرا چون پیدایش چنین خصوصیتی در آنها محال است نمی توانند مصداق اولی الامر باشند، اولی الامر باید معصوم باشد. او اخباری درباره عصمت^{۱۱۵} اولی الامر ذکر کرده و پنج دلیل به شرح زیر ارائه نموده که اولی الامر متعین در علی و اولاد او از حسن تا مهدی (ع) است:

۱. ائمه شیعه به نزدیک خدای تعالی بهتر از همه خلایق باشند و ... برای آن که خدای تعالی طاعت ایشان با طاعت رسول (ص) مقرون کرد.
۲. طریقتی دیگر آن که خدای تعالی چون طاعت اولی الامر با طاعت رسول و طاعت خود مقرون کرد، چنان که قدیم تعالی منزّه است از همه قبایح و رسول (ص) معصوم مطهر از همه معاصی کبیره و صغیره، اولی الامر باید تا همچنین باشد که حکمت در کلام حکیم این واجب کند و به این صفت جز اینان بتواند.
۳. وجهی دیگر در استدلال در آیت آن است که محال باشد

حکیم ما را فرماید به اطاعت جماعتی مختلفی الاقول والآراء والمذاهب و به اتباع ایشان در اقوال و رفتار ایشان و بعضی را بر بعضی مزیتی نبود و ما را طریقتی نبود به تمیز حق از میان آن اقوال مختلف و متناقض متضاد و این مؤدی بود با تکلیف مالا یطاق و از حکیم تعالی تکلیف ما لایطاق نیکو نبود، پس محال است که امرا و علما باشند از این وجه که بیان کرده شد.

۴. طریقتی دیگر آن است که معلوم است به ضرورت که اگر خدای تعالی ما را تکلیف کند به طاعت رسول و ما را تعیین نکند شخص او به دلالتی و علم معجزی، این تکلیف قبیح باشد و از بابت تکلیف مالا یطاق بود، همچنین در حق اولی الامر اگر نصی نباشد بر اعیان ایشان یا دلالت که علم معجز باشد یا جاری مجرای آن هم مؤدی بود به آن که تکلیف مالا یطاق باشد ... چنان که رسول (ص) معین است از خدای به نص بر او و اظهار اعلام معجزات بر دست او،^{۱۱۶} اولی الامر باید چنین باشند.

۵. طریقتی دیگر آن است که اگر آیت حمل کنند بر آن که ایشان گفتند از علی و مفتیان، ائمه ملاح (ع) داخل باشند در آن و بر قول و قاعده ما آن که ایشان گفتند خارج باشد از او پس این متفق علیه است و آن مختلف فیه و الاخذ بالاجماع والاتفاق اولی، در امت کس نخواهد گفتن که نه این ائمه هر یکی از ایشان فاضل تر و عالم تر و جامع ترند خصال خیر را از اهل هر عصر.

تعیین نام ائمه دوازده گانه شیعه

ابوالفتوح بعد از ارائه پنج دلیل در تعیین مصداق اولی الامر به ائمه شیعه، اسامی دوازده امام را^{۱۱۷} بر اساس روایات شیعه ذکر کرده است.^{۱۱۸} در ذیل آیه اولی الامر آمده که عبدالله انصاری گفت وقتی این آیت آمد^{۱۱۹} گفتم: یا رسول الله خدای و رسول را می شناسم، اولی الامر کیستند که خدای تعالی اطاعت ایشان با اطاعت تو پیوست؟ گفت: «یا جابر هم خلفائی و ائمه المسلمین من بعدی اولهم علی بن ابیطالب ثم الحسن ثم الحسين»

۱۱۲. روض الجنان و روح الجنان، ج ۴، ص ۳۲۷.
۱۱۳. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۶۹؛ تفسیر هیاشی، ج ۱، ص ۲۵۰.
۱۱۴. نقض، ص ۲۶۶ و ۲۶۷.
۱۱۵. روض الجنان و روح الجنان، ج ۵، ص ۴۱۴ و ج ۱، ص ۷۸۷.
۱۱۶. همان، ص ۴۱۰.
۱۱۷. همان، ج ۱، ص ۷۸۶.
۱۱۸. همشهری معاصر ابوالفتوح نیز در مورد اسامی ائمه معصومین مطلبی را آورده است. ر. ک: نقض، ص ۲۸ و ۲۹.
۱۱۹. در سوره نساء آیه ۶۹ به طور اجمالی به ائمه دوازده گانه شیعه اشاره کرده است (ومن یطع الله و الرسول فاولئک مع الذین انعم الله علیهم من النبیین و الصدیقین و الشهداء و الصالحین و حسن اولئک رفیقاً).

حیث این که معصیت خداست - نگذاشته است دیدگاه ابو الفتوح درباره گناهان همانند معتزله و نسبی انگاری است .

۲. عصمت ائمه معصومین

احراز عصمت ائمه (از ارکان اساسی اصول مذهب تشیع) تلاش اصلی علمای شیعه به ویژه در عصر ابو الفتوح بود و در بازار منازعه^{۱۲۶} دینی جزو رایج ترین مسائل کلامی بود . با توجه به این که جمیع فرق اسلامی اعم از خوارج، معتزله و اشاعره عصمت را شرط امام نمی دانند اثبات عصمت^{۱۲۷} ائمه شیعه امامی با این اوصاف به منزله اثبات هویت شیعه امامی است .

۳. شفاعت

از مسائل اختلافی عصر ابو الفتوح شفاعت بود . ابو الفتوح بنابر دیدگاه شیعه امامیه می نویسد : پیامبر از مرتکبان کبائر شفاعت می کند و امیر المؤمنین علی (ع) از شیعه خود شفاعت می کند و ائمه نیز شفاعت می کنند .

۴. نص بر امامت

از موارد نزاع عصر ابو الفتوح که رازی قزوینی^{۱۲۸} بخش درخور توجهی از کتاب خود را به آن اختصاص داده قول شیعه به وجود نص متواتر بر امامت علی (ع) است .



۱۲۰ . در تأویل سننیهم آیاتنا فی الافاق و فی انفسهم حتی یبین لهم انه الحق آورده که دلیل آفاق و دوازده برج است که مجرای آفتاب است و ماهتاب و کواکب باشد ... الم ذلک الکتاب و آن دوازده حرف است و ... آیات دیگری را به نوعی به عدد دوازده برگردانده و آن را با دوازده امامی شیعه تطبیق داده است . ر . ک : محمد بن حسین رازی ، نزهة الکرام ، ج ۲ ، ص ۴۰۹-۴۳۶ (تهران ، ۱۳۶۲) .

۱۲۱ . نقض ، ص ۴۵۱ .

۱۲۲ . همان ، ص ۴۸۲ و ۵۰۳ و ۵۷۳ و ۶۴۰ و ۶۴۱ .

۱۲۳ . همان ، ص ۵۰۵ .

۱۲۴ . زبیدیہ اتفاق دارند که مرتکب کبیره به دوزخ خواهد رفت و جاودان خواهد بود . ر . ک : مقالات اسلامیین ، ص ۴۴ و ۷۶ و ۷۷ . رافضیان (شیعه امامی) مرتکب کبیره را دوزخی و قابل شفاعت ائمه شیعه می دانند ، گروهی دیگر از رافضیان مرتکب کبیره را قابل شفاعت ائمه نمی دانند . ر . ک : مقالات اسلامیین ، ص ۳۴ . خوارج مرتکب کبیره را کافر و مخلد در آتش و مرجئه هر گناهی را بزرگ می دانند . ر . ک : مقالات اسلامیین ، ص ۷۷ و ۱۴۵ .

۱۲۵ . مقالات اسلامیین ، ص ۱۴۵ .

۱۲۶ . نقض ، ص ۵۷۳ و ۵۷۶ .

۱۲۷ . در هر روز گاری معصومی بوده است که اگر خللی را باید به دین دفع کند یا اگر شبهی افتد در شریعات حل آن بکند . ر . ک : نقض ، ص ۲۸ .

۱۲۸ . نقض ، ص ۶۳۹-۶۴۳ .

ثم علی بن الحسین ثم محمد بن علی المعروف فی التوریه بالباقر و سندرکه یا جابر فاذا لقیته و اقرأه منی السلم ثم الصادق جعفر بن محمد ثم موسی بن جعفر ثم علی بن موسی ثم محمد بن علی ثم علی بن محمد ثم حسن بن علی ثم ... حجة الله فی ارضه و بقية عباده ابن الحسن بن علی ذاك الذي الله علی يده مشارق الارض و مغاريها ذاك الذي بغيب عن شيعته ... » .

تعیین نام و تعداد ائمه شیعه از بحث های رایج در عصر ابو الفتوح بود . از جمله منابع عصر ابو الفتوح کتاب نزهة الکرام و بستان العلوم است که بابتی را به این مطلب اختصاص داده است .^{۱۲۰}

کلام شیعی در تفسیر ابو الفتوح

مبارزه متکلمین شیعه امامی و متکلمان سنی پیرامون اعتقادات از رایج ترین مفاهیم دوره ابو الفتوح و پیش از او بود . جلسات متعددی پیرامون مسائل کلامی در ری عصر سلجوقی معاصر ابو الفتوح انجام می گرفت .^{۱۲۱} اهم مسائل کلامی مطرح در دوره ابو الفتوح - که در تفسیر وی هم آمده - در مفاهیم الهیات بالمعنی الاخص عبارت است از : صفات خدا ، گناهان کبیره ، احباط ، ملازمة اسلام و ایمان ، شفاعت ، ایمان ،^{۱۲۲} عصمت انبیا ، عصمت ائمه و امامت منصوص . برخی از مسائل کلامی پیرامون مسائل الهیات بالمعنی الاعم نیز در ری عصر سلجوقی گزارش شده است .^{۱۲۳} کتاب نقض به بسیاری از این مباحث به طور مفصل پرداخته است . کتاب دیگر به نام نزهة الکرام و بستان العلوم از محمد بن حسین رازی (مؤلف تبصرة العوام) در الهیات بالمعنی الاخص در مبحث امامت است .

۱. گناهان کبیره

تعیین حد گناهان کبیره و صغیره از موارد نزاع بین متکلمین شیعه و سنی و گروه های خوارج ، مرجئه و زبیدیه و ... به ویژه در عصر ابو الفتوح بین شیعه و سنی مطرح بوده است .^{۱۲۴} دیدگاه ابو الفتوح در مورد گناهان کبیره به معتزله نزدیک است . معتزله می گویند : همگی گناهانی که در وعید آمده کبیره است و آنچه را که ذکری از آن نشده گناه کوچک است . همگی گناهانی که در وعید بدان ها اشاره شده و آنچه شمار آنها است گناهشان بزرگند^{۱۲۵} و آنچه در وعید نیامده ، رواست که گناه کوچک تلقی شود و نیز روا باشد که گناهان اخیر را در مقایسه با یکدیگر بزرگ یا کوچک بنامیم و نمی توان همه آنها را بزرگ نامید .

ریشه های نسبی انگاری گناهان در احادیث ائمه شیعه وجود دارد ؛ چون روایات شیعی فرقی بین بزرگی و کوچکی گناه - از